

۴۶ - ای کنیز عزیز الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۴۶ - ای کنیز عزیز الهی

ای کنیز عزیز الهی، نامه‌ات رسید مرقوم نموده بودی که از شدت غم اسیرم و در زندان شدید الحمد لله آزاد گشتی و از زندان بایوان راه یافتی. مطمئن باش تأیید روح القدس میرسد و نسائم جنت ابری میوزد بهائی آزاد است و در اوج ملکوت الله در پرواز حزن و کدورت بخود راه مده بلکه بفرح و سرور ایام بگذران تا در عالم محبت الله تولد یابی و از خوف و خطر بکلی آزاد گردی. حیات ابدیه از برای تو مقدر از چه میترسی ابواب ملکوت بر رخت مفتوح از چه محزون شوی؟ حیات روحانی انسانی بعد از صعود از عالم جسمانیست چنانکه حیات جسمانی انسانی بعد از تولد از عالم رحم بود هر چند در بطن مادر حیاتی داشته ولی آن حیات بی فرح و ثمر بود چون از رحم مادر تولد یافت و باین جهان قدم نهاد حیات جسمانی مکمل شده. و همچنین در این جهان هر چند انسان حیات روحانی دارد ولی حیاتش مثل حیات جنین است و قتیکه از این عالم بعالم ملکوت شتابد و بجهان الهی رود آن وقت حیات روحانی تام یابده. از خدا خواهیم که موفق بر ثبوت و استقامت در این امر ملکوتی گردی آن وقت جمیع آرزو و آملت میسر گردد.



ORIGINAL



AUDIO